

اندوز به فرزندان با اختصار

۵۰۰ فرزندان عزیزم - این امرنا زمین را با آسانی بدست نیامده ایم - مادرم این راه راستی را که از پدرش آموخته بود پیروی
 را با خود برد - من و مادرتان پسرزاد چه در نجما و مصائب برای منی در این طریق کشیدیم و کوشش ما آن بود که آنرا بشما هم بیاریم
 الحمد لله که همه در نظر امر موفقید - اقدام من که غیر بودند (بهائی نبودند) خیال نا بود مرا داشتند تا این نکته شک را پاک نمایند:
 مدتی خواست که از پنج کتد ریشه ما غانرا از آنکه خدا بود در اندیشه ما فرزندان خویش را با آداب دین بار آورید - هر سر را بهتر از
 خود دانید هیچ عنوان یکدیگر را کو هیچ نکنید در سرش ننمائید - کسی را آورده مکنید متحد باشید - خویش دارم دوست یکدیگر باشید برادر
 یا خواهری بجا خود - کمک بدیگران زیانی ندارد بلکه اجز دنیا و آخرت را در پی دارد - بجز ما خود را با عظمت و عصمت و دیندار که در
 رسالت کار آسانی آبار آورید با گذشت باشید و بر مال دنیا با هیچکس درگیر نشوید و بگمان را از خود بر تو داند و لکن آنها را سرزنش
 مکنید سرزنش کردن از خود پسندی سرچشمه بگیرد - من بر همه مقرر شد این آئین است و عدل اعظم الامر در اولن دارم - هر از هر
 مرا تا این بهائی دین کنید (در ایران و آنرا در آفریقا) - مادام وصیت کرده پسر از هر گستر در دوازدهم عید عنوان بیادش
 عیبه می گیریم و تا کنون این کار را کرده ام شما هم این کار را ادامه دهید چون او علت ایمان من و با مال شما باشد فرزند بیوایان
 دستگیری کنید از کروگان در صورت امکان گاهی دیدار کنید مادام آنها ایرانی هستیم که خاکش تبرک است چونکه موطن
 شما مبارک و حضرت اعلی است و بخون هزاران از شهدا در این امر ملین شده است - ما مفتوحیم که ایرانی هستیم هر حال که با هم
 بعداً تا رضایستی از ملک و آب و آتش خانه برابر فرزندان شما بگذرشته است که مربوط به آنها است با انصاف و بدون تالیخ
 بعد فرار را بر قرار بوضع داریم بعداً (هر وقت که آید بظهران در ما خانه و اثاث و املاک را تحویل او داریم تا خدا چه مقدر نماید -

(عنوان سخن در اولن فصل)

بصفتی صمیمانه هر چه بود از آقا سرزانی یا ابوالفضل در باره
 این آقا را چه قدر با حسرت و آرزوی خود

اصححها ما یا ایها
 الراضل و صبر بخواهند و با دیگر برادران و سعادت خانم
 مطالعہ فرماید